

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

## ایالات متحده و چگونگی تلاش‌های پاکستان در منطقه

### عناصر تشکیل دهنده امنیت منطقی

#### بی‌ثبات‌سازی وضعیت کشور ما

تحرکات نظامی و تلاش‌های صلح‌آمیز

مداخله خارجی‌ها در امور منطقی

ضرورت استقرار اوضاع

نتیجه‌گیری

قابل یادآوری می‌باشد که اردوی پاکستان یکی از مسؤ  
لان جنبش حامی حقوق پښتون‌ها را متهم نموده که  
بدستور افغانستان در صدد بی‌ثباتی این کشور می‌با  
شند. بگفته حامیان حقوق بشر، این جنبش به دلیل  
مخالفت با سیاستهای نظامی پاکستان در مناطق پښتو  
ن نشین، هدف قرار گرفته است. پښتون‌های منطقه  
شمال غرب پاکستان، مدتهاست که موفق به تأسیس  
و ایجاد جنبش تحفظ پښتون "پی‌تی‌ام" شده‌اند. حا  
میان آن می‌گویند از اینکه چندین دهه است از منطقه  
و محل بود و باش شان بمثابة میدان جنگ و درگیری  
های مسلحانه استفاده بعمل می‌آید، نگران بوده و با  
مواضع شورشیان و اردوی پاکستان مخالفت مینمایند.

در نخست و آغاز طرح مسایل مورد بحث، تذکر این مسأله درخور توجه محسوب می‌گردد که قبل از آنکه پدیده غیر عادی کشو  
ری با اسم پاکستان در ناحیه جنوب شرق کشور ما بمیان آورده شود، کشور پهناور هند که آنرا "سرزمین عجایب" نیز گفته‌اند با  
افغانستان مرز مشترک و درمواضعی هم، دولت مشترک داشته‌اند.

قابل تذکر پنداشته می‌شود که بدلیل موضعگیریهای هر دو طرف افغانستان و پاکستان، فضای مناسبات میان دوکشور را همیشه  
ابرهای غبار آلود و تیره و تاری پوشانیده که در بسیاری از برهه‌های تاریخی، سبب ایجاد تنش در مناسبات دوکشور نیز گردید. مقا  
مات رسمی کشور ما هیچگاه خط "دیورند" را بمثابة مرز رسمی میان دوکشور بر رسمیت نشناخته و آنرا فاقد ارزشهای حقوق بین  
الدول می‌پندارند. توافق در مورد مرزهای افغانستان و هند بریتانوی با ختم مأموریت انگلیس‌ها در کشور ما بعمل آمد. با تشکیل  
و ایجاد پاکستان، میان بخش‌هایی از نخبگان افغان، مفکوره ایجاد پښتونستان بمثابة واحد یگانه‌ای بمنظور وحدت و همبستگی  
پښتون‌ها مطرح بحث قرار گرفت که در دوره حکومت برهبری محمد داؤد طی سال‌های ۱۳۳۲ - ۱۳۴۲ باوج خود رسید.

پاکستان بنوبه خویش سعی ورزید تا حاکمیت سیاسی کشور ما را متقاعد به برسمیت شناختن خط "دیورند" نمایند. مفکوره ایجاد  
پښتونستان بنحوی از انحاء توسط حاکمان پاکستانی بمثابة خطری به منافع ملی و تمامیت ارضی آن کشور محسوب گردید. طی  
سال ۱۳۴۸ سازمان "جوانان مسلمان" بههدف سرنگونگی رژیم برهبری محمد داؤد در کابل ایجاد گردید. طرفداران سازمان

متذکره، به اقدامات و تحرکات مسلحانه بویژه در پنجشیر مبادرت ورزیده اما بزودی سرکوب گردیده و رهبران آن به پاکستان فرار نمودند.

پس از عودت قطعات نظامی شوروی بکشورشان، پاکستان اراضی خویش را بگونه سخاوتمندانه ای در اختیار مجاهدین بمنظور انجام فعالیت های مسلحانه آنها قرارداد. طی نیمه دوم سال های ۸۰ سده ۲۰، پاکستان دکتترین "عمق ستراتیژیک" را رویدست گرفت. بسخن دیگر، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی مناطق مورد علاقه و جزء منافع پاکستان محسوب گردید. بارتباط موضوع فوق، تمایل پاکستان بمنظور تأمین نفوذ در آسیای مرکزی و علاقمندی آنکشور بمنظور حصول اطمینان از برسمیت شناختن خط "دیورند" بمثابه مرز رسمی افغانستان - پاکستان محسوب گردید.

شرح کامل آنچه استعمار انگلیس طی بیشتر از دو صد سال در شبه قاره هند انجام داد، ایجاب مطالعه و بررسی های وسیع و همه جانبه را می نماید. قبل از آنکه استعمار انگلیس تن باعطای آزادی برای هندی ها بدهد، درصدد تجزیه هند و ایجاد مناطق نزاع بر انگیز میان اینکشور و اطرافینش برآمدند.

جریان ناباب افراط گراییه موجب آن گردید که گروه یا گروه های مذهبی تندرو همچنان در بخش مسلمان نشین شبه قاره هند ایجاد شود. این گروه های اسلامی، عمدتاً در وجود تشکیلات سیاسی - مذهبی تجزیه طلبانه ضد "هندوها" متباز گردیدند که در سالهای پس از ایجاد پاکستان و بویژه پس از سال های ۶۰ سده ۲۰، سرزمین و اراضی این کشور نو بنیاد "اسلامی" (پاکستان) رابه منبع و مرکز اصلی بنیادگرایی، خشونت و تروریزم مبدل نمود. آتش این فتنه سده ۲۰، بویژه طی سالهای ۸۰ سده یاد شده توسط استعمارگران غربی چنان مشتعل گردید که نه تنها جان و مال و هستی سیاسی و اجتماعی مردم کشور مارا آتش کشیده و با خاک یکسان نمودند، بلکه بنحوی، دامن پاکستان، منطقه وحتا همان کشورهای استعماری را نیز فراگرفت.

پس از تجزیه شبه قاره هند، بتاريخ ۲۶ ماه جنوری سال ۱۹۵۰ نظام جمهوری آزاد تأسیس گردیده و نخستین رئیس جمهور آن کشور بکار آغاز نمود.

در مورد کشور عزیزمان افغانستان نیز تازمانی که استعمار انگلیس در شبه قاره هند حضور داشت و تاجایی که توانست، بگونه مستقیم جفا وریاً در حق کشور ما و هموطنان ما بکاربرد.

بمنظور روشن شدن بیشتر موضوع بایست خاطر نشان ساخت که انگلیس ها پس از نخستین تجاوز نظامی شان در سال ۱۸۳۹ به کشور ما، ولایت های سند و بلوچستان را جبرن از پیکر افغانستان مجزا نموده و تحت فرمان و حاکمیت خویش قرار دادند. همچنان در سال ۱۸۷۹ بالشکر کشی مجدد به افغانستان و تحمیل معاهده ننگین "گندمک"، مناطق مهم و سوق الجیشی و شاهرگهای حیاتی کشور مانند دره بولان، پیواروخیبیر را بست آوردند. انگلیس ها همچنان در سال ۱۸۹۳ در نتیجه عقد معاهده ننگین "دیورند" با امیر عبد الرحمن خان، باز هم مناطق بزرگی مانند گرم، دیر، باجور، مهمند، پشاور، وزیرستان شمالی و جنوبی، اتک، هزاره، مسعود، سوات، تیرا، چترال و غیره را از پیکر کشور ما بریده و به قلمرو هند بریتانوی ملحق نمودند که اکنون تحت تسلط پاکستان قرار دارد.

تذکر این مسأله را نیز نباید فراموش نمود که مأموریت های دیپلماتیک با چانه زنی هایی در بخش مناسبات و روابط میان افغانستان و پاکستان در ایام پسین تشدید گردیده است. اتهامات متقابل هر دو کشور در مورد چگونگی برخورد با کار گزاران دیپلماتیک، اسلام آباد را بدان واداشت تا فعالیت های قونسلش را در کابل محدود نماید. اقدامات اینچنینی، یکماه پس از آن صورت گرفت که حکومت وحدت ملی در پس زمینه حوادث اتفاقیه در مورد بیرق کشور، به توقف فعالیت های قونسلگری افغانستان در پشاور اقدام نمود.

باید خاطر نشان ساخت که آخرین نزاع میان دو کشور همجوار پس از آن آغاز گردید که طرف پاکستان با مراجعه بجانب افغانی، ضرورت جلب توجه آنها را به نحوه برخورد با کارمندان و دیپلمات های سفارت آن کشور تقاضا نمود. در چنین وضعیتی، وزارت امور خارجه پاکستان با فراخواندن سفیر افغانستان در آن کشور، تقاضای حفاظت از کارمندان سفارت پاکستان در افغانستان را بوی ابلاغ نموده و خواهان تعقیب قانونی کسانی گردید که بازار وادیت دیپلمات های نامبرده در کابل مبادرت ورزیده اند. وزارت امور خارجه افغانستان در پاسخ به تقاضای یاد شده، وعده سپرد که بگونه جدی به تعقیب و پیگرد عاملان چنین اعمالی اقدام خواهد نمود. در ضمن، مسأله برخورد غیر متعارف و خلاف عُرف دیپلماتیک بخشهای اطلاعاتی و استخباراتی پاکستان را با سفیر افغانستان در اسلام آباد نیز یادآور گردیدند.

اعتراض و پروتست وزارت امور خارجه افغانستان در ارتباط با رفتار و نحوه عملکرد غیر دیپلماتیک با سفیر افغانستان در اسلام آباد که برخلاف کنوانسیون های معتبر موجود، توسط اداره استخبارات مرکزی آن کشور مورد بازجویی قرار گرفت، بطرف پاکستانی ابلاغ گردید. چنانچه در اعلامیه وزارت امور خارجه افغانستان تأکید بعمل آمده بود که احضار سفیر جمهوری اسلامی افغانستان به یکی از شعبهای "آی اس آی"، خلاف کلیه نورم های پذیرفته شده بین المللی بوده و این اقدام جانب پاکستان

ن را "بعید از اخلاق دیپلماتیک" محسوب می نماید. همچنان، جانب افغانی، طرف پاکستان را به رعایت اصول حقوق بین المللی و احترام باصل مناسبات حسن همجواری میان دوکشور و در نهایت به در نظر داشت اساسات روابط بین المللی فراخواند. در بخشی از اعلامیه وزارت امور خارجه کشور آمده است که دولت افغانستان نسبت فراخواندن سفیرش بیکی از دفترهای ساز مان مرکزی استخبارات پاکستان "آی اس آی" و برخورد غلط کارمندان آن اداره با سفیر آن کشور در اسلام آباد، اعتراض شدید ش را ابراز می نماید.

در مورد، از جنگ قونسل می میان دوکشور نیز باید یادآور شد. قابل تذکر می باشد که همراه با تحرکات معینی در زمینه، طرف پاکستانی اعلام نمود که بدلیل شرایط و موجودیت عواملی از جمله مسایل امنیتی دیپلمات هایش در کابل، اجرای ویژه به متقا ضیان افغان را توسط قونسلگری آن کشور در کابل، معطل قرار داده است. همچنان جانب پاکستانی از حکومت افغانستان تقاضا بعمل آورد تا مسأله امنیت کارمندان سفارت آن کشور را تأمین نماید. قبل از بسته شدن قونسلگری پاکستان در کابل، همه روزه بیش از ۱۵۰۰ ویژه برای متقاضیان افغان بشمول افراد و اشخاص کهنسال و مریض ها اجرا می گردید. دریافت کنندگان، غالبن اسناد مسافرتی بمنظور معالجه در یکی از کشورهای همجوار را درخواست نموده و تهیه می نمودند. پس از مدتی معلوم شد که طرف پاکستانی در مورد صدور ویژه برای مریضهای متقاضی معالجه در پاکستان نرمش اختیار نموده و اظهار گردید که مریض ها بگونه استثنایی از دریافت ویژه پاکستان بمنظور معالجه و تداوی در آن کشور مستفید شده می توانند. قونسلگری های پاکستان در شهرهای هرات، جلال آباد و مزار شریف دوباره کارشان را از سر گرفتند. در اوایل ماه میزان سالروان، طرف افغانی به تو قف فعالیت های قونسلگری اش در شهر پشاور اقدام نمود. چنین تصمیمی پس از آن اتخاذ گردید که پولیس پاکستان به عملکرد غیر قابل قبول در قبال پرچم کشور ما متوسل گردید. اما رهبری دولت وحدت ملی در کشور، از آغاز مجدد و از سر گرفتن دوباره کار قونسلگری کشور در شهر پشاور اطلاع داد.

در مورد پیامدهای درگیری باید اضافه نمود که در صورت ظاهر شدن حقایق موجود، با وجود مناسبات و روابط پیچیده و مشکل میان افغانستان و پاکستان، احضار سفیر کشور ما به یکی از شعبات "آی اس آی"، اصلن بی پیشینه محسوب می گردد. در ماده ۲۹ کنوانسیون ژنوو در مورد مناسبات دیپلماتیک درباره مصونیت دیپلماتها تذکر بعمل آمده است که نماینده دیپلماتیک کشور خارجی در کشور میزبان توسط هیچ مقامی مورد بازجویی و تحقیق قرار گرفته نمی تواند. دولتها در مورد نمایندگیهای دیپلماتیک کشورهای خارجی باید از دقت لازم کار گرفته و بمنظور حفظ مناسبات میان کشورها از انجام کلیه اقدامات و عملکردهای منافی عُرف دیپلماتیک در قبال نمایندگی های دیپلماتیک کشورهای خارجی باید اجتناب بعمل آید. در ماده ۳۰ کنوانسیون یادشده آمده است که نماینده دیپلماتیک از مصونیت عدم ارائه شهادت در مورد یا مواردی نیز برخوردار می باشد. اگر منابع اطلاعاتی و دفاتر استخباراتی از اصل مراعات نمودن و در نظر داشت مصونیت دیپلماتیک نمایندگیهای خارجی فرار نمایند، به یقین کاین بمفهوم نقطه پا یان گذاشتن به روابط میان دوکشور و ختم مناسبات میان آنها محسوب می گردد.

چنانچه بهمه واضح و روشن می باشد که مسأله حل و فصل صلح آمیز قضایا و رفع بحران نظامی در کشور عزیز ما، بیش از سایرین، به کشور پاکستان وابسته و مرتبط می باشد. بگمان اغلب، احتمال آن می رود که درگیری در بُعد دیپلماتیک، منتهی به انگیزه ای بمنظور تشدید درگیری هایی در اراضی هر دو کشور گردد. اثبات ادعای فوق بر مبنای این واقعیت قرار دارد که بتاريخ ۱۴ ماه سرطان سالروان، راکت پراگنی هایی از جانب نظامیان پاکستانی باراضی کشور ما صورت گرفت که در نتیجه آن مناطقی در ولایت کنردچار آسیبهای فروانی گردید. اما پاکستانی ها بگونه پیهمی منطقه نازی را نیز مورد حملات راکتی قرار دادند که در نتیجه، چندین مرمی راکت بمحلات مسکونی و رهاپشی اهالی ملکی آن منطقه نیز اثابت نمود. مطابق اطلاعات و گزارش های بنشر رسیده، اهالی ملکی در مناطق یادشده، متحمل خسارات جانی و مالی گردیده و در مقابل، قوت های نظامی افغانستان نیز در امر دفاع از مرزهای کشور با اقدامات مقتضی متوسل گردیدند.

همچنان وسایل اطلاعات جمعی کشور از سفر جنرال فیض حمید، آمر سازمان استخبارات پاکستان "آی اس آی" بکابل خبر دادند. طبق گزارش های بنشر رسیده، در جمع هیأت متذکره نه تنها نمایندگیهای ساختار قدرت، بلکه دیپلمات ها و بویژه دونفر نماینده های وزارت امور خارجه پاکستان نیز حضور داشتند. منابع خبری معتبر، چنین حدس می زدند که هدف از سفر رسمی مهمان های پاکستانی با افغانستان را عذر خواهی از رفتار و عملکرد پاکستانی ها در قبال سفیر کشور ما در پاکستان تشکیل می داد. دست اندرکاران مسایل کشور ما متذکر می گردند که پیشینه این واقعه به زد و خورد های مرزی میان دوکشور بر می گردد. در زد و خورد های پسین مرزی میان نظامیان افغان و پاکستانی، متأسفانه شماری از اهالی ملکی از زندگی ساقط گردیدند.

بارتباط موضوع یادشده، وزارت امور خارجه پاکستان، یادداشت اعتراضی کشورش را به سفیر افغانستان در اسلام آباد تسلیم نمود. اما با فراخواندن سفیر کشور ما با اداره استخبارات پاکستان "آی اس آی"، وزارت امور خارجه افغانستان اعلامیه ای را بنشر سپرد که در ضمن آن از نقض موازین و مقررات دیپلماتیک توسط زمامداران پاکستانی، اعتراض شدید دولت افغانستان

را بجانب پاکستانی ابلاغ نمود. مطابق برخی آمار، در جریان ماه سنبله سالروان، وزارت امور خارجه پاکستان، نظامیان افغان را متهم به تحرکاتی در مرز میان دو کشور نمودند که در نتیجه آن مطابق ادعای پاکستانی ها، تلفاتی به نظامیان آن کشور نیز وارد گردید.

همچنان بر بنیاد اطلاعات ارائه شده، طی اواسط ماه سنبله، تحرکات نظامی تداوم حاصل نموده و حملاتی از جانب پاکستانی ها به محلات شرقی کنر نیز صورت گرفت. طرف پاکستان مدعی گردید که درگام نخست، این قوت های نظامی افغانستان بود ند که به حملاتی بجانب مقابل آغاز نموده و پوستهای مرزی را مورد ضربات پیهم سلاح های سنگین قرار دادند که در نتیجه بتعداد ۶ نفر از نظامیان پاکستانی جراحت برداشتند.

مأموران محلی ولایت یاد شده اظهار نمودند که نحوه و چگونگی حوادث بگونه دیگری اتفاق افتاده و این نظامیان پاکستانی بودند که منطقه ناری در ولایت کنر را مورد حملات راکتی قرار دادند که در نتیجه، چندین فیر راکت به محلات مسکونی اثابت نموده و در نتیجه حملات نظامی های مرزی، چندین تن از هموطنان ملکی ما از زندگی ساقط گردیدند. مسؤولان محلی از کشته شدن سه زن و مجروح گردیدن عده ای دیگر خبر دادند.

قوت های نظامی افغان به جوابیه و حمله متقابل متوسل گردیدند که در نتیجه تلفات و خساراتی بهر دو جانب وارد گردید. پاکستان باید بگونه مساویانه با افغانستان در انجام فعالیت ها و اقداماتی بمنظور تخفیف تشنج میان دو کشور و تحکیم مناسبات حسن همجواری، اعتماد و تعاون منطقوی همکاری نموده و در زودن عوامل و فاکتور های منفی که سبب تیرگی مناسبات میان دو کشور می گردد، باید تشریک مساعی نماید. چون عدم و نبود صلح و امنیت در یک کشور منطقه، بر کل منطقه و بر همه کشور ها و دول موجود در جغرافیای منطقوی اثرات ناگواری بجا خواهد گذاشت.

چنانچه همه شاهد بودند که در اواسط ماه سنبله سالروان، رئیس جمهوری ایالات متحده بدلیل انجام اقدامات تروریستی در کابل که منجر به کشته شدن یک تن از نظامیان آن کشور گردید، مذاکرات و گفتگوها را با جانب "طالب" ها بحالت تعلیق قرار داده و پروسه یاد شده را مرده بحساب آورد.

در شرایط و وضعیت کنونی، ایالات متحده در مشور هایی با کشورهای اروپایی، کشورهای منطقه و همچنان در ارتباط نزدیک با سازمان های بین المللی بمنظور حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور ما سهم می و رزد.

قابل یادآوری می باشد که طی ماه عقرب سال روان، بخش تحقیقات کنگرس ایالات متحده، گزارشی درباره مسأله افغانستان را بنشر سپرد که در آن بیش از همه، به نقش و اثر گذاری پاکستان بروضعیت کشور ما توجه ویژه ای معطوف گردیده است. از جمله در بخشی از گزارش آمده است که پویایی منطقه ای از یکجانب و مداخله نیروهای خارجی در درگیری های افغانستان از جانب دیگر قابل اندیشه پنداشته می شود. کشورهای همجوار افغانستان، بویژه پاکستان از اثر گذاری بیشتری در قضایای کشور ما برخوردار می باشد. کشور اخیر الذکر بویژه طی دهه پسین، از تاثیر گذاری و مؤثریتش بگونه کاملن منفی سود جسته که در مورد یاد شده، شواهد و مدارک بیشماری نزد جامعه جهانی نیز موجود می باشد. در گزارش یاد شده، همچنان بگونه مستقیم از ارتباط میان سازمان های اجرای قانون پاکستان و گروه های مخالف حاکمیت کنونی در کشور ما بشمول گروه حقانی بمثابه "مؤلفه نیمه خود مختار" تذکر بعمل آمده است.

در گزارش متذکره همچنان می خوانیم که قوماندانی نظامی امریکایی، همراه با سیاستمداران افغان متیقن اند که حمایت "غیر قابل وصف پاکستان" از گروه های مسلح مخالف جمهوری اسلامی افغانستان و پشتیبانی آنها توسط نظامیان آن کشور، مخالفان مسلح حاکمیت سیاسی کنونی کشور ما را بیش از هر موقع دیگر تشجیع می نماید. واقعیت های میرهن و واضح عملکرد و چگونگی فعالیت های تب آلود پاکستان در قبال کشور عزیز ما را نباید لحظه ای هم فراموش نمود. پاکستان در واقعیت امر در صدد آن می باشد تا حاکمیت سیاسی ضعیفی که از استقرار لازم و استحکام و قدرتمندی مشخصی نیز برخوردار نبوده در کشور ما ایجاد گردد و تشکیل حاکمیت سیاسی یکپارچه و متحدی که از اقتدار سیاسی لازمی در جامعه و منطقه نماید، نباید از قوه بفعل مبدل گردد، پس از تشکیل پاکستان آنهم مطابق برنامه های استعماری و متکی و مبتنی بر بنیاد انگیزهای مذهبی، تاکنون هم در قبال کشور عزیز ما چنین عملکردهای خصمانه را همچنان بکار می بندد. در گزارش یاد شده همچنان می خوانیم که پاکستان به مخالفان مسلح افغانستان در اراضی آن کشور پناه داده است. ممکن توسط سیاستمداران در حرف، اصل یاد شده مورد تردید قرار داده شده و بر استفاده کار بردی از آنها بمفهوم مبارزه علیه کشور هند در افغانستان عنوان گردد. قابل تذکر پنداشته میشود که اعلا میه یاد شده در پس زمینه و خامت روابط و مناسبات میان افغانستان و پاکستان منتشر شده است. چنانچه در روز های پایانی ماه سنبله سالروان در منطقه مرزی میان دو کشور در نتیجه زد و خورد های مسلحانه میان طرفین، افراد ملکی کشور ما به شهادت رسیدند. باین وجود، اما پاکستان، جانب افغانستان را به حمله در منطقه مرزی متهم نمود. وارد نمودن اتهامات متقابل همچنان ادامه دارد.

سوم ماه قوس سال ۱۳۹۸